

ارزیابی رویکرد قانونگذار ایران به مقوله کیفر زدایی در قانون سال ۱۳۹۲

سیروس پارسا^{۱*}، مجید رحمانی^۲

^۱ دانشجوی مقطع کارشناسی ارشد حقوق جزا و جرم شناسی دانشگاه آزاد اسلامی واحد نورآباد ممسنی

^۲ استادیار و هیات علمی گروه حقوق جزا و جرم شناسی دانشگاه آزاد اسلامی واحد نورآباد ممسنی

چکیده

پژوهش حاضر با هدف بررسی رویکرد قانونگذار ایران به مقوله کیفر زدایی با تاکید بر قانون ۱۳۹۲ اجرا شده است روش اجرای این تحقیق توصیفی کتابخانه ای بوده است. باید گفت که اعمال مجازات بر افراد ناقض هنجارهای جامعه، سابقه ای به قدمت جوامع انسانی دارد؛ چرا که لازمه حیات یک نظام اجتماعی، از یک سو تبعیت و پیروی از قوانین و مقررات و از سوی دیگر، مجازات قانون شکنان است. این قوانین و مقررات در گذر زمان، در جوامع مختلف اشکال گوناگونی داشته و در مقاطع زمانی مختلف، دستخوش تغییر بوده است. البته در این مسیر، همواره با چالش هایی نیز مواجه بوده است. امروزه یکی از چالش های اساسی در بحث قوانین، این است که توسل بیش از حد به ضمانت اجراهای کیفری، باعث محدود شدن آزادی های افراد، تحمیل هزینه زیاد به دولت و خلل در عملکرد دستگاه قضا شده است. به عنوان یک راه حل، قانونگذاران غالباً راهبردهای عقب نشینی نظام کیفری را در قالب سیاست های، جرم زدایی، کیفرزدایی و قضازدایی پیش بینی کرده اند. در این میان، کیفرزدایی به عنوان یک راهبرد اساسی در سیاست جنایی کشور ها، بیش از سایر سیاست های عقب نشینی نظام کیفری، مورد توجه قانون گذاران قرار گرفته است؛ زیرا با حفظ وصف مجرمانه برای رفتاری که تنها واکنش کیفری از آن زدوده شده است، محظورات و محدودیت های کمتری نسبت به سایر سیاست ها دارد. در ایران نیز، راهبرد کیفرزدایی به صورت آگاهانه در جهت کاهش بار نظام کیفری، قوانین برنامه سوم، چهارم و پنجم توسعه، سیاست های کلان قضایی از سوی رهبری و نیز لوایح پیشنهادی قوه قضائیه به مجلس شورای اسلامی مورد توجه قرار گرفته است که در حال حاضر، نمونه های آن را می توان در قانون مجازات اسلامی جدید التصویب مشاهده کرد. این پژوهش، ضمن بررسی سیاست کیفرزدایی، به مهم ترین جلوه های آن در قانون مذکور می پردازد.

واژه های کلیدی: کیفرزدایی؛ جایگزین های حبس؛ تعویق صدور حکم؛ نظام نیمه آزادی.

مطالعات علوم سیاسی، حقوق و فقه

دوره ۴، شماره ۱، بهار ۱۳۹۷، صفحات ۷۳-۹۱